

به نام خدا

مراتب شفاعت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

فاطمه کرزه‌بر^۱

چکیده

شفاعت حقیقتی است که دامنه آن از دنیا آغاز می‌شود و گستره آن خروج گنهکاران شایسته شفاعت از جهنم است، که اعتقاد به آن از عقاید اختصاصی دین اسلام است و گروهی از مذاهب اسلامی آن را در آخرت رد می‌کنند ولی شیعیان به آن اعتقاد دارند. شفاعت حقّ الهی است که از سوی خدا به برخی از اولیاء و بندگان صالح اعطا می‌شود و از آن جهت که در قرآن بارها آمده است و روح یأس را از بین می‌برد اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف از مقاله حاضر که به روش تحلیلی - توصیفی به نگارش در آمده، بررسی مراتب شفاعت از دیدگاه علامه جوادی آملی است. اولین مرتبه شفاعت در دنیا به توبه تعلق می‌پذیرد، چرا که تا بنده توبه نکند شفاعت دیگر شافعان از جمله ملائکه و انبیاء(ص)، عمل صالح و قرآن شامل حال او نمی‌شود. از نظر علامه جوادی آملی در آخرت نیز اولین مرتبه به پیامبر اسلام تعلق می‌پذیرد چون ایشان دارای مقام محمود هستند و دیگر شافعان از جمله امامان و انبیاء و قرآن برای شفاعت نیازمند آن حضرت هستند. واژگان کلیدی: مراتب شفاعت، مقام محمود، توبه، اهل بیت(ع)، آیت‌الله جوادی آملی

۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه فاطمة الزهراء(س) قم / ۰۹۱۹۴۱۴۶۱۶۵/rose۹۰blue@gmail.com

مقدمه

دین اسلام، دین امیدواری و بخشودگی است و همواره خداوند راه‌هایی برای رسیدن به این دو پیش‌روی مؤمنان قرار داده است. که یکی از این راه‌ها شفاعت می‌باشد که هم در دنیا و هم در آخرت شامل حال مؤمنان می‌شود. شفاعت گاهی برای ترفیع درجه است که این قسم مورد قبول همه مذاهب اسلامی بوده و گاهی شفاعت برای مغفرت و بخشش گناهان است که برخی این نوع را قبول ندارند. اهمیت شفاعت به این دلیل است، که یکی از مهمترین ارکان اثر گذار در سعادت و یا شقاوت انسان است و چه بسا تبهکارانی که به امید شفاعت به راه راست باز گردند و به سعادت برسند. از نظر علامه جوادی آملی شفاعت همانند تعاون از مسائل کلیدی صلاح یا طلاح جامعه است.

شفاعت در دنیا و آخرت مراتبی دارد که انسان باید از آن آگاهی داشته باشد تا در زندگی با امیدواری بیشتری به حیات خود ادامه می‌دهد و از آن مراتب برای رسیدن به سعادت استفاده کند و در زمینه آن کتبی نوشته شده است. از جمله ادبِ فنای مقربان (ج ۷) نوشته عبدالله جوادی آملی به سال نشر ۱۳۹۱ به مسئله شفاعت و شافعان پرداخته است. کتاب شفاعت نوشته محمد باقر علم الهدی به سال نشر ۱۳۸۶ به بحث شفاعت بین علماء و شفاعت به اذن الهی و در اختیار خداوند و گفتار منکران شفاعت و بررسی شفاعت مشروع و غیر مشروع توحید و چهره‌های آن و روش آشنایی با حقایق قرآن و بررسی شرک و افعال آن و ویژگی مهم در شفاعت می‌پردازد و کتاب شفاعت آخرین امید نوشته کریم حمیدی به سال نشر ۱۳۸۵ به مواردی از قبیل شفاعت از دیدگاه قرآن و فلسفه شفاعت و اقسام شفاعت و شفاعت تکوینی و تشریعی و ادله ی طلب شفاعت و قلمرو شفاعت و زمان شفاعت و نتیجه شفاعت و شبهات شفاعت پرداخته است و کتاب شفاعت جلوه برتر رحمت برگرفته از آثار علامه جوادی آملی تحقیق و تنظیم سید محمود صادقی و جعفر آریانی به سال نشر ۱۳۹۴ است، این کتاب مشتمل بر چند بخش از جمله شفاعت در قرآن و روایات و شفاعت کنندگان و شفاعت شوندگان و محرومان از شفاعت و شبهات شفاعت است ولی به مراتب شفاعت نپرداخته است. در این مقاله به مراتب شفاعت از دیدگاه آقای جوادی آملی در

دو محور دنیا و آخرت که شفاعت در دنیا شامل توبه، ایمان، عمل صالح، فرشتگان، پیامبران، قرآن، مؤمنان و شفاعت در آخرت شامل پیامبر اکرم(ص)، اصحاب اعراف، سایر پیامبران، فرشتگان، قرآن، شاهدان، مؤمنان و خداوند پرداخته می شود.

مفهوم شناسی

شفاعت به معنای «خواهش‌گری، پایمردی، میانجیگری و درخواست عفو و بخشش و آمرزش خواستن گناهکار» است.^۱

راغب اصفهانی با اشاره به معنای قرآنی آن می‌نویسد: «الشفع ضم الشیء إلى مثله ... والشفاعة الانضمام إلى آخر ناصر الیه و سائلاً عنه»؛ شفع ضمیمه شدن چیزی است به مانند خود و شفاعت، ضمیمه شدن به دیگری است که به کمک او آید و درباره او خواهش‌گری کند؛ زیرا خود به تنهایی درباره‌ی رسیدن به هدف ناتوان و نیازمند فردی برتر است.^۲ نیز شفاعت از شفع به معنای «جفت» در مقابل «وتر» به معنای «تک» است و از آنجا که در شفاعت عرفی یا شرعی شخص شفیع جفت انسان شفاعت شونده واقع می‌شود، به او «شفیع» و به عمل او «شفاعت» گفته می‌شود. درباره‌ی شفیع گفته‌اند: الشفیع جناح الطالب.^۳ شفیع مانند بال پرنده است اگر پرنده بی بال یا دارای یک بال باشد، قدرت پرواز ندارد. انسان هم اگر شفیع نداشته باشد، مشکلش به آسانی حل نخواهد شد.

شفاعت از دیدگاه علامه جوادی آملی: «شفاعت در دو علم فقه و کلام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. شفاعت فقهی آن است که کسی در دنیا رابط و واسطه میان دو نفر قرار گیرد تا کاری برای شفاعت شونده انجام دهد خواه آن کار دفع ضرر باشد یا جلب منفعت. چنین شفاعتی که محور آن فعل اختیاری مکلف است یا حسنه است یا سیئه؛ قسم دیگر از شفاعت، شفاعت کلامی است که بخش مهم آن در آخرت مطرح است و معنای جامع آن این است:

۱. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳۱، ص ۳۲۴.

۲. اصفهانی، مفردات راغب، ۴۱۸.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۶۳.

کاری که موضوع باید و نباید اعتباری قرار نمی‌گیرد، می‌تواند تحت عنوان کلامی شفاعت طرح شود؛ مانند فعل خدا و فرشتگان الهی در دنیا و آخرت و نیز مانند فعل همه انسان‌ها در آخرت که ظرف اعتبار و باید و نباید نیست. آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت عصمت (ع) به این قسمت از شفاعت نظر دارد.^۱

الف) شافعان در دنیا

۱- توبه

از نظر علامه جوادی آملی مؤثرترین و بهترین شفیع در دنیا توبه است که نه ذلّتی در پی دارد نه انتظاری برای پذیرش، زیرا نفوذ شفاعتِ شفیعی چون انبیاء و فرشتگان تنها در غیر شرک و کفر و نفاق است و فقط شامل موحدان و مسلمانان آلوده به گناه می‌شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»^۲ و نیز می‌فرماید: «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ»^۳ استغفار دیگران برای کافران و فاسقان بی‌اثر است چون خداوند کافران و فاسقان را به مقصد نمی‌رساند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^۴ در حالی که اگر آنان توبه کنند و دست از شرک و نفاق خود بردارند نجات پیدا می‌کنند از این رو امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «لا شفیع انجح من التوبه»^۵ و مقصود از ناجح بودن توبه همان تحوّل درونی توبه کننده است. توبه اختصاص به دنیا دارد چون عمل است و جایگاه عمل دنیاست نه آخرت: «الיום عمل ولا حساب و عذاباً حساب و لا عمل»^۶ که نقطه امتیاز

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۱۳

۲. نساء: ۴۸.

۳. توبه: ۸۰.

۴. توبه: ۸۰.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۳.

شفیعانی چون پیامبران و فرشتگان نسبت به توبه این است شفاعت آنان در قیامت نیز مؤثر است.^۱ انسان برای دگرگون سازی زندگانی دنیوی خویش و استحکام رابطه خود با معبود خویش می تواند از توبه اولین مرتبه شفاعت استفاده کند.

۲- ایمان

علامه جوادی آملی در کتاب تفسیر تسنیم اشاره کرده اند به دیدگاه علامه طباطبائی برای شفاعت ایمان آیهی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ را مطرح کرده است. البته با توجه به جملهی (اتقوا) در این آیه مقصود ایمان همراه با تقواست. در این زمینه آیهی ۳۱ سورهی احقاف مناسب است: «یا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ» که اجابت الهی و ایمان به آن وسیلهی مغفرت قرار گرفت.^۳ دومین مرتبه از شفاعت ایمان است چون بعد از توبه با ایمان به اسلام دینش را مرضی خدا قرار میدهد و ایمان یکی از شروط بهره مندی شفاعت است.

۳- عمل صالح

آیات زیادی دلالت بر شفاعت عمل صالح دارد؛ مانند «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۴ و «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعفه لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»^۵.

البته آیات فراوانی را نیز می شود مطرح ساخت که دلالت بر شفاعت عمل صالح به ضمیمهی ایمان دارد؛ مانند «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۴۶ و ۲۴۷، ادب فنای مقربان، ج ۷، ص ۳۴۹.

۲. حدید: ۲۸؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۴۷.

۴. انفال: ۲۹.

۵. تغابن: ۱۷.

۶- فرشتگان

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱ اگر چه احتمال دارد مراد از (یومئذ) دنیا و مراد از سیئات، معاصی باشد و فرشتگان از خدا طلب کنند که مؤمنان را در دنیا از معاصی حفظ فرماید، ولی با توجه به جمله‌ی (وقهم عذاب الجحیم) و جمله‌ی (وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ) و آنچه بعد از این آیات آمده: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لِمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ»^۲ که مربوط به قیامت است می‌توان گفت مقصود از «یومئذ» قیامت است، نه دنیا و مراد از سیئات حوادث سهمگین قیامت و عذاب آن است.^۳ درباره‌ی شفاعت فرشتگان پیامبر اسلام می‌فرماید: «... وَالشَّفَاعَةُ لِلْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ...»^۴. حضور ملائکه در صحنه شفاعت بسیار آگاهانه است و غفلت یا شهوت و غضبی که انگیزه‌ی گناه شدکاملاً برای آنان مشهود است و چون همه‌ی اقوال و افعال آنها مسبوق به اراده و امضای الهی است حتماً شفاعت آگاهانه آنان مقبول خواهد بود.^۵ فرشتگان هفتمین مرتبه از شفاعت هستند که دعای خیر و شفاعتشان شامل حال انسان می‌شود.

۷- قرآن

از برخی روایات برمی‌آید که یکی از شفیعان قیامت، قرآن است. امیرالمؤمنان در ادامه‌ی بحث

۱. غافر: ۷-۹.

۲. غافر: ۱۰.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۴۹ و ادب فنای مقربان، ج ۷، ص ۳۴۷.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۸.

۵. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۳۰۰.

شفاعت قرآن در دنیا از آن حضرت نقل می‌شد می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَقَائِلٌ [ماحل] مُصَدِّقٌ وَأَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَّعَ فِيهِ وَمَنْ مَحَلَّ بِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُدِّقَ عَلَيْهِ»^۱ بدانید قرآن شفاعت می‌کند و شفاعتش مقبول است و گوینده ایست که سخنش تصدیق می‌شود. آن کس که قرآن در قیامت از وی شفاعت کند شفاعت قرآن درباره‌ی وی پذیرفته می‌شود و هر کس قرآن از او شکایت کند گواهِش بر ضد او پذیرفته می‌شود. بر پایه‌ی برخی احادیث قرآن در قیامت با چهره‌ای نورانی متمثل شده، از صفوف مسلمانان، شهیدان، پیامبران و فرشتگان می‌گذرد و به هر صف که می‌رسد اهل آن صف با شگفتی می‌گویند: این کیست که از نور و جمالی بهره‌مند است که نصیب ما نشده است! تا اینکه به آستان ربّ العزه می‌رسد و تحت العرش به سجده می‌افتد پس خداوند تبارک و تعالی ندا می‌دهد: «يَا حُجَّتِي فِي الْأَرْضِ وَكَلَامِي الصَّادِقَ النَّاطِقَ ارْفَعْ رَأْسَكَ وَاسْلُ تَعْطُ وَاشْفَعْ تُشَفَّعُ...»^۲ شفاعت قرآن چون سایر شفیعان به معنای جبران کمبودهاست.^۳ قرآن حقیقتی دارد که نه تنها خود شفیع است بلکه خواننده خود را نیز به مقام شفاعت نایل می‌کند تا او هم بتواند به اذن خداوند شفیع دیگران گردد. سر آن این است هر جا حقیقت قرآن حضور داشت، شفاعت هم آن جا حاضر است و اگر قلب کسی قرآنی شد، مقام شفاعت نیز در صحابت اوست؛ زیرا چنین مقامی که قرآن مدار و وحی محور است هر جا قرآن باشد با او خواهد بود.^۴ قرآن هشتمین مرتبه از شفاعت است که به کمک انسان می‌آید.

۸- خداوند سبحان

از روایت «آخر من شافع ارحم الراحمین»^۵ برمی‌آید که آخرین و بالاترین شفیع خودِ خدای ارحم الراحمین است. معنای آخر بودن ذات اقدس خداوند این است که اگر عفو یا تخفیف عذاب در مقاطعی و وارد کردن به بهشت یا ترفیع درجه آن در مواردی مقدور کسی نبود آخرین قدرت و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲. فیض کاشانی، وافی، ج ۵، ص ۱۶۹۴، ح ۸۹۵۶.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۵۱.

۴. همان؛ ص ۳۰۶.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۱.

بالا‌ترین مرجع تصمیم‌گیری، خدای سبحان است. شفاعت خداوند محدود به هیچ حدّی از خارج نیست؛ زیرا بیرون از مشیت الهی چیزی نیست تا در تحدید اختیار و اراده خدای سبحان سهمی داشته باشد. تنها چیزی که از درون یعنی اراده خود خداوند آن را محدود کرده است اصل ایمان مشفوع‌له است زیرا خداوند چنین فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»^۱ بنابراین آن قیودی که در شفاعت غیر خداست در شفاعت الهی مطرح نیست. یعنی اگر مشفوع‌له دارای اصل ایمان بود ولی به هیچ وجه دارای عمل صالح نبود ممکن است مورد مغفرت خدا واقع شود، هر چند چنین مسلمان فاسقی مرضی‌الدین نباشد.^۲ آخرین مرتبه از شفاعت از آن خداست همان خدایی که در همه حال و در همه جا با ماست و حفاظت ما را در خواب و بیداری، غفلت و هشیاری و تهیدستی و توانگری بر عهده دارد.

نتیجه‌گیری

شفاعت در دنیا و آخرت مراتبی دارد؛ که در دنیا اولین و مؤثرترین شفاعت از آن توبه است و ویژگی توبه این است که اختصاص به دنیا دارد و اما شفاعت دیگر شافعان هم در دنیا و هم در آخرت هست. بعد از توبه انسان با ایمان و عمل صالح راه خود را به سوی بازگشت به خدا ادامه می‌دهد و بعد فرشتگان و انبیاء و مؤمنان برای انسان استغفار می‌کنند و با تابعیت از قرآن راه‌های نجات را پیدا می‌کند و از کوردلی و جهالت نجات پیدا می‌کند. در آخرت پیامبر از عالی‌ترین درجه‌ی شفاعت برخوردار است و ایشان دارای مقام محمود است و به پاداش زحمات پیامبر بعد از پیامبر اهل بیت ایشان شفاعت می‌کنند و پیامبران و عالمان و شاهدان و قرآن و مؤمنان به شفاعت انسان‌ها یعنی جبران کمبودها می‌پردازند. آخرین مقام شفاعت در آخرت از آن خداست و آنهایی که شفاعت دیگران در موردشان ممکن نبود مورد مغفرت خدا واقع می‌شوند. در نهایت لازم است اشاره شود که طبق بررسی‌های نویسنده مقاله، آیت الله جوادی آملی در تالیفات خود اشاره

۱. نساء: ۴۸.

۲. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۵۶ و ادب فنای مقربان، ج ۷، ص ۳۵۱.

ای به واژه مراتب شفاعت ننموده اند. اما از نحوه بیان مطلب ایشان، برداشت می شود که می توان مراتبی را برای شفاعت در نظر گرفت که بر این اساس مقاله به نگارش در آمد. امید که در دنیا و آخرت مشمول شفاعت شفیعان قرار بگیریم.

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. اصفهانی، راغب، مفردات راغب، ترجمه‌ی حسین خداپرست، قم: نوید اسلام، چهارم، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم: مرکز نشر اِسرائ، پنجم، ۱۳۹۱.
۳. _____، تسنیم، قم: مرکز نشر اِسرائ، ششم، ۱۳۸۹.
۴. _____، سیره‌ی پیامبران در قرآن، قم: مرکز نشر اِسرائ، پنجم، ۱۳۹۱.
۵. _____، معاد در قرآن، قم: مرکز نشر اِسرائ، پنجم، ۱۳۹۰.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: سازمان چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ هـ.ش.
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه‌المدرسین، سی‌ام، ۱۳۸۹.
۸. فیض کاشانی، ملامحسن، وافی، اصفهان: مکتبه امام امیرالمؤمنین علی(ع)، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، الجامعة لدُرر اخبار الأئمة الاطهار(ع) بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.